روزنامه همدان پیام
پیام آدینه
ویژه‌نامه تحلیلی، اطلاع‌رسانی، آموزشی
ضمیمه پنج‌شنبه‌های روزنامه همدان‌پیام

پنج‌شنبه ● ۲۵ دی‌ماه ۱۳۹۳
ضمیمه شماره ۲۲۶۴
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: نصرت... طاقتی احسن
سردبیر: ..... یدا... طاقتی احسن
سردبیر: ۰۹۱۸۳۱۵۱۴۳۷
www.hamedanpayam.com (سایت)

تلفن: ۳۸۲۶۴۴۳۳ (۰۸۱)
دورنگار: ۳۸۲۷۹۰۱۳ (۰۸۱)
لیتوگرافی و چاپ: پیام رسانه (همدان)
نشانی: همدان، خیابان مهدیه، روبروی دبیرستان شریعتی، ساختمان پیام
info@hamedanpayam.com (ایمیل)

درباره لایحه بودجه ۱۳۹۴

دغدغه نخست: معیشت مردم

مصطفی لطفی پارسا

«هیچ چیز شرایط، وضعیت، منزلت و جایگاه یک کشور را بهتر از سیاست‌های مالی که توسط نظام سیاسی آن کشور تنظیم می‌شود، بیان نمی‌کند.» جوزف شومپیتر رئیس‌جمهور روحانی لایحه بودجه را سر وقت به مجلس برد تا خاطره تأخیرهای طولانی دولت گذشته را در ذهن آحاد اقتصادی کمرنگ کند. روز شانزدهم آذرماه در حالی لایحه بودجه از طرف رئیس‌جمهور به رئیس مجلس ارائه شد که آقای روحانی در یک سخنرانی یک ساعته نکات اصلی این لایحه را برای نمایندگان مردم توضیح داد. اما سخنرانی فنی و اقتصادی او که حاوی نکات مهمی در مورد آینده اقتصاد کشور و برنامه‌های دولت برای عملیاتی کردن سیاست‌هایش بود، در هیاهوی بازی‌های سیاسی گم شد.

*مهمترین ویژگی‌های لایحه بودجه سال ۱۳۹۴ را می توان در چند گزینه برشمرد:

۱- ادامه سیاست مهار تورم: آنچنان که دولت یازدهم تاکنون نشان داده است مهمترین سیاست اقتصادی‌اش مهار تورم بوده است. این مهم در لایحه تقدیمی برای بودجه سال ۱۳۹۴ نیز مشخص است. به ویژه اینکه رئیس‌جمهور دست‌اندازی به منابع بانک مرکزی برای تأمین کسری بودجه را به عنوان خط قرمز دولت معرفی کرده است و کنترل رشد پایه پولی را سیاست اصلی دولت برای مهار تورم می‌داند. البته در کنار کنترل پایه پولی، مهار انتظارات تورمی نیز در کنترل تورم مؤثر بوده است.

۲- برنامه‌ریزی برای رونق تولید: آمار رشد اقتصادی ۳ ماهه سوم سال ۹۳ نشان می‌دهد که بخش‌های پیشروی اقتصاد ایران شروع به حرکت کرده‌اند دو مسأله مهم در اینجا وجود دارد: یکی اینکه «ایجاد ثبات اقتصادی» و «پیش‌بینی پذیرکردن تصمیمات دولت» از مهمترین عوامل حرکت مجدد اقتصاد کشور به سمت رشد تولید است. دوم اینکه؛ افزایش رشد اقتصادی کشور پس از چند سال رشد منفی پی در پی، فی‌نفسه اتفاق مهمی است. گذشته از آن رشد اقتصادی مثبت کشور به معنی افزایش در مجموع رشد بخش‌های مختلف اقتصاد است. به این معنی، انتظار اینکه تمام بخش‌ها همزمان دارای رشد مثبت باشند درست نیست. بلکه متوسط رشد بخش‌های مختلف مثبت بوده است و به ویژه «افزایش نرخ رشد سرمایه‌گذاری» که به عنوان پیشران اصلی رشد اقتصادی است، نویدبخش تداوم رشد و تسری آثار آن به سایر بخش‌های جامعه خواهد بود. نسبت رقم تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در لایحه بودجه ۹۴ نسبت به قانون بودجه سال ۹۳ و مقایسه آن با نسبت درآمدهای این دو سال مؤید این موضوع است که دولت برای خروج از رکود و افزایش رونق تولید جدی است.

۳- بهبود فضای کسب‌وکار: موضوع مهمتر و اصلی مستتر در لایحه بودجه سال ۹۴، تلاش دولت برای بهبود فضای کسب‌وکار است. این مهم در چند قسمت از لایحه و به عنوان فضای ذهنی (Background) لایحه‌نویسان کاملاً مشهود است. افزایش درآمدهای مالیاتی دولت و کاهش اتکا به نفت (هر چند بخشی از آن به اجبار و ناشی از کاهش درآمدهای نفتی است)، نویدبخش آمیزه روشنی برای اقتصاد کشور است. مشاوران اقتصادی دولت به خوبی می‌دانند که کاهش درآمدهای نفتی دولت و افزایش سهم مالیات از درآمدهای دولتی دو روی یک سکه هستند. به این معنا بخش خصوصی به عنوان پرداخت‌کننده مالیات بردرآمد، اگر توانایی تولید و سوددهی مناسب داشته باشد می‌تواند مالیات مورد نظر دولت را پرداخت کند. پس پیش‌بینی زمینه مستتر در این بخش از لایحه تقدیمی دولت، بهبود فضای کسب‌وکار برای بخش خصوصی است. یعنی تسهیل سرمایه‌گذاری، روان کردن و حذف بوروکراسی‌های دواری پیچیده ناکارآمد و غیرلازم، تأمین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی، تسهیلات تشویقی برای افزایش صادرات غیرنفتی و بقیه مواردی که در سخنرانی رئیس‌جمهور نیز آمده بودند همه لوازمی هستند که برای آسان کردن شرایط فعالیت بخش خصوصی ضروری به نظر می‌رسد. رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور فعلی ترکیه حدود ۱۲ سال پیش و در اوایل دوران نخست‌وزیری خود، در جلسه‌ای با حضور سرمایه‌گذاران، تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی ترکیه به آنها گفته بود: «من چه کاری می‌توانم انجام دهم تا سود فعالیت اقتصادی شما زیاد شود؟ تا بتوانید مالیات بیشتری بپردازید؟»

(نقل به مضمون) آنچه نیاز امروز اقتصاد کشور ماست چیزی شبیه گفته بالاست و به نظر می‌رسد دولت این موضوع را به درستی دریافته و در پی تحقق آن است. به ویژه در لایحه بودجه سال ۱۳۹۴ با کاهش اتکا به درآمدهای نفتی و افزایش سهم مالیات بخش خصوصی این موضوع مشخص‌تر است اما به نظر می‌رسد در این مورد دولت باید با صراحت و صداقت بیشتری با مردم و آحاد اقتصادی سخن بگوید. روشن کردن نتایج کوتاه مدت و بلندمدت تکیه به درآمدهای مالیاتی برای فعالان اقتصادی و فراهم کردن زمینه‌های رونق کسب‌وکار آنها منجر به مشارکت بیشتر آنها در تحقق اهداف مورد نظر دولت خواهد شد، که مهمترین آنها شفافیت، انضباط و قانونمداری برای همه خواهد بود.

*کارشناس امور مالیاتی استان

» پیام تاریخ، تمدن و فرهنگ مادستان
پنج‌شنبه ● ۲۵ دی‌ماه ۱۳۹۳
ضمیمه شماره ۲۲۶۴ همدان‌پیام ● ۸ صفحه ● رایگان
ISNN: 2322 - 4673

پیام آدینه
پیام آدینه ● ۲۷۳ ● سال پنجم ● تحلیلی، اطلاع‌رسانی، آموزشی

احیای یک سازمان

طرح: همدان پیام- محمود نظری

بازگشت به عقـــــلانیت

«داستان اقتصاد ایران، نه‌تنها برای نگارنده بلکه برای بسیاری از نویسندگان معاصر ایرانی، داستان تلاش پرمشقت مردمان این سرزمین در مقابل بازدهی محدود این تلاش‌هاست. همه ما بارها و بارها به این نکته اندیشیده‌ایم که چرا به‌رغم این همه گفت‌وگو و به‌رغم این همه تلاش و زحمت هنوز توان آن را نداریم که برای فرزندان این مرز و بوم شغل مناسب، درآمد مطلوب، زندگی آسوده، احساس امنیت اقتصادی و آینده نسبتاً مطلوبی را فراهم آوریم.

به راستی همین نگرانی‌هاست که تفکر و اندیشه ما در باب اقتصاد کشور را به خود مشغول داشته و ما را بر آن می‌دارد که به‌رغم همه مشکلات و ناملایمات باز هم به حد توان خود هر کوره راهی را بپیماییم به این امید که راه رستگاری اقتصادی جامعه خود را بیابیم و آبا خواهیم یافت؟» دکتر حسین عظیمی- ۱۳۷۸

۷ سال و نیم زمان لازم بود تا نام «سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور» بار دیگر به ساختمان این سازمان در میدان بهارستان تهران بازگردد و احیای آن نمودی عینی پیدا کند. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور که از ادغام ۳ سازمان به عنوین «سازمان امور اداری و استخدامی» و «سازمان مدیریت و بودجه» تأسیس و در ۱۸ تیرماه ۱۳۸۶، پس از ۶۰ سال توسط محمود احمدی‌نژاد منحل و وظایف آن به ۲ معاونت «برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی» و «توسعه مدیریت و منابع انسانی» منتقل شده بود، بیش از یکسال پس از روی کار آمدن دولت جدید، با حکم حسن روحانی مجدداً احیا شد.

اما سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی چه وظیفه‌ای دارد؟ به عبارت دیگر چرا کشور نیاز به این سازمان داشته و وجود آن موجب چه مزایایی برای اقتصاد کشور خواهد بود؟ به یک دید کلی و با نگاه از بالا، ۲ وظیفه مهم برای دولت‌ها تعریف می‌شود: ۱. وظیفه جلوگیری از نوسانات اقتصادی و ادوار تجاری ۲. وظیفه برنامه‌ریزی برای توسعه و پیشرفت کشور از آنجایی که نوسانات اقتصادی و وقوع ادوار تجاری، مهمترین عامل بر هم زننده ثبات اقتصادی در کشور است.

بنابراین وظیفه نخست دولت‌ها ناظر به این معناست که برای ایجاد امنیت و ثبات در اقتصاد که لازمه فعالیت‌های اقتصادی و رونق فضای کسب‌وکار جامعه است، باید دولت (به‌ویژه در جامعه و اقتصاد ما) به عنوان بازیگری تیزهوش و گوش به زنگ حضور داشته باشد و با ابزار «بودجه و سیاست‌های مالی و پولی» به این وظیفه مهم بپردازد. بر کسی پوشیده نیست که شرط نخست رشد اقتصادی کشورها (و از جمله کشور ما) رونق کسب‌وکار بخش خصوصی است. به این منظور بخش خصوصی باید توان و چشم‌انداز پیش‌بینی‌پذیری اقتصادی را داشته باشد و این مهم میسر نمی‌شود مگر با وجود ثبات و امنیت اقتصادی.

به عبارت دیگر، در صورت وجود ثبات است که اقتصاد کشور دارای چشم‌انداز قابل پیش‌بینی و قابل برنامه‌ریزی خواهد بود و این مهمترین عامل برای ترغیب بخش خصوصی به تدوین برنامه‌های بلندمدت تولیدی است. اما در وظیفه دوم دولت، یعنی «برنامه‌ریزی برای توسعه» نسبت به وظیفه اول، دولت یک گام به پیش نهاده است. یعنی وظیفه دومی که برای دولت‌ها تعریف می‌شود هم عرض و بلکه با فرض تحقق وظیفه، اولی است. به این معنا، دولت پس از ایجاد ثبات در اقتصاد (که اشاره شد با ابزار بودجه و اجرای سیاست‌های مالی و پولی مناسب قابل تحقق خواهد بود) در مرحله بعدی با استفاده از توان کارشناسان میانی و بالایی در بخش‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه نسبت به تدوین برنامه‌های توسعه (در کشور، ۵ ساله) و همچنین اسناد بالادستی (نظیر سند چشم‌انداز ۲۰ ساله) اقدام می‌کند. اسناد توسعه و بالادستی به عنوان چراغ راهنمایی عمل کرده و به مدیران بالادستی و میانی مسیر درست حرکت را نشان می‌دهد.

فلسفه وجودی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به طور کلی در همین ۲ وظیفه دیده شده و بر این اساس بنیاد نهاده شده است. همچنانکه ذکر شد: وظیفه اول با ابزار «بودجه» و وظیفه دوم با ابزار «برنامه‌های توسعه» توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی انجام می‌شود.

یک دولت متعهد و کارآمد، چابک و توسعه‌گرا البته که باید از حضور چنین سازمانی استقبال کند و به برنامه‌های تدوین شده توسط کارشناسان خبره آن، گوش جان بسپارد. عدم وجود چنین سازمانی در واقع انجام وظایف فوق‌الذکر را مختل و کشور را از اهداف ترسیم شده برای آن دور می‌کند.

کما اینکه در بازه زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ که این سازمان منحل شد، از هر دو جنبه (یعنی هم از نظر نحوه تخصیص منابع «بودجه» و هم از نظر دستیابی به اهداف «چشم‌انداز ۲۰ سال» کشور به شدت با انحراف روبه‌رو شد. چنانکه می‌دانیم بزرگترین کسری‌های بودجه به عنوان یکی از مهمترین عوامل ایجاد تورم رکودی در همین بازه زمانی فقدان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به وقوع پیوست و علاوه بر آن اهدافی مانند رشد اقتصادی ۸ درصد سالانه، تورم تک‌رقمی، بیکاری تک‌رقمی و اشتغال پایدار (به عنوان اهداف اقتصادی سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور) از دسترس خارج شد. اکنون و با احیای دوباره این سازمان و با توجه به عقلانیت و اعتدال موجود در تیم اقتصادی دولت، امید می‌رود وظایف دولت به ریل تصمیمات اقتصادی و علمی بازگشته و هم در حوزه بودجه‌ریزی، به‌ویژه بودجه‌های استانی و هم در حوزه برنامه‌های توسعه با گشایش بیش از پیش امور مواجه باشیم. در همین چند روز این امید در دل‌های کارشناسان سابق (یا فعلی!) سازمان ایجاد شده که با فراغ‌بال بیشتری به تدوین و پیگیری مسائل مربوط به بودجه استان بپردازند.

به نظر می‌رسد در وضعیت فعلی مدیران ارشد سازمان باید در مسیرهایی چنین حرکت کنند:

- به دور از سیاست‌زدگی ناشی استقلال خود را حفظ کنند.
- برای بازگشت تصمیمات عقلانی و علمی برای تصمیم‌گیری در خصوص تخصیص بودجه‌های استانی تلاش کنند.
- نقش فعال توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان در تدوین برنامه‌های توسعه و چشم‌انداز کشوری ایفا شود.
- برای کسب اعتبارات متناسب با درآمدها و GDP استان تلاش شود.

قیمت نفت همچنان در بازار جهانی به سیر نزولی خود ادامه می‌دهد؛ تا جایی که قیمت نفت برنت به کمتر از ۵۰ دلار در بازار جهانی رسیده است. این موضوع در حال حاضر موجب شده که تعیین قیمت نفت از جمله مباحث چالشی در تصویب لایحه بودجه سال ۱۳۹۴ باشد؛ زیرا قیمت فعلی نفت در بازار جهانی فاصله بیش از ۲۲ دلاری با رقم ۷۲ دلاری برای نفت در لایحه بودجه سال آینده دارد.

بنابراین با توجه به ادامه روند کاهشی قیمت نفت، بیم آن می‌رود پیش‌بینی ۷۲ دلاری دولت برای قیمت نفت صادراتی کشورمان در سال آینده، محقق نشود که در آن صورت، کسری بودجه گریبانگیر دولت خواهد شد.

بر همین اساس، کارشناسان خارج از دولت و اقتصاددانان مجلس توصیه می‌کنند برای پیشگیری از وقوع کسری بودجه شدید در سال آینده، باید قیمت نفت در لایحه بودجه مورد بازنگری قرار گیرد، زیرا قیمت پیش‌بینی شده دولت به نوعی قابل وصول نیست. اگرچه در مقابل، دولتی‌ها اصرار دارند که رقم ۷۲ دلار را براساس محاسبات کارشناسی و مطالعات علمی به دست آورده‌اند.

در همین رابطه، محمد کردبچه، مشاور رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در گفت‌وگو با خبرآنلاین تأکید کرد: «ما نباید عجولانه برخورد کنیم، زیرا همان‌طور که قیمت نفت اینقدر سریع پایین می‌آید، همان‌طور هم می‌تواند بالا رود.»

به گفته وی، «با این حال، مکانیزم‌هایی در اختیار دولت و مجلس قرار دارد که اگر قیمت نفت کاهش یابد، می‌توانند بودجه را تامین کنند و نگذارند بودجه با شکست مواجه شود.»

مشاور رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی همچنین یادآور شد: «در سال ۱۳۶۵ یا سال ۱۳۷۷ نیز قیمت نفت به کمتر از ۱۰ دلار رسید و درآمد نفت خیلی پایین آمد، اما ما بودجه‌مان بستیم و هیچ اتفاقی هم نیفتاد. به عبارتی، این‌گونه نیست که ما خط قرمزی در قیمت نفت داشته باشیم و نتوانیم بودجه را ببندیم.» در ادامه مشروح گفت‌وگوی خبرگزاری خبرآنلاین با محمد کردبچه را می‌خوانید.

■ پیش‌بینی نفت ۷۲ دلاری در بودجه به نظر می‌رسد یک نوع بی‌احتیاطی از سوی دولت بوده؛ اگرچه از نفت ۱۰۰ دلاری به ۷۲ دلاری اکتفا شده است، اما امکان فروش نفت ۷۲ دلاری هم دست‌کم در حال حاضر وجود ندارد. علت تصمیم دولت در رسیدن به نفت ۷۲ دلاری چه بود و چرا نرخی پایین‌تر را انتخاب نکرد؟

در این زمینه در دولت خیلی بحث شد. البته آن زمان هنوز قیمت نفت تا این حد پایین نیامده بود؛ منتها مسأله‌ای که وجود دارد، این است که پیش‌بینی بازار نفت خیلی مشکل است. در حال حاضر گروهی از صحبت از این می‌کنند که قیمت نفت در بودجه باید کاهش یابد و حتی صحبت از این می‌شود که قیمت نفت ممکن است به ۴۰ دلار هم برسد، اما نکته این‌جاست که مگر کسی در مرداد و شهریور تصور می‌کرد که قیمت نفت تا این حد کاهش پیدا کند؛ در حالی که آن زمان قیمت نفت بیش از ۱۰۰ دلار بود. هنوز هم متوسط قیمتی که از نفت در سال‌جاری اعلام می‌شود، بالاست.

آن زمان هیچ‌کس پیش‌بینی نمی‌کرد که قیمت نفت تا این حد پایین آید. الان هم همین‌طور است. پیش‌بینی بازار نفت خیلی مشکل است. یعنی حتی بهترین کارشناسان بازار نفت هم امکان دارد اشتباه کنند. چه کسی حدس می‌زد که قیمت نفت از ۱۱۰ دلار به ۵۰ دلار برسد؟! کاهش ۵۰ دلاری قیمت نفت خیلی زیاد است. بنابراین همان‌طور که قیمت نفت این‌قدر سریع پایین می‌آید، همان‌طور هم می‌تواند بالا رود. به همین دلیل نباید عجولانه برخورد کنیم. از سوی دیگر، مکانیزم‌هایی در اختیار دولت یا مجلس قرار دارد که اگر یک چنین اتفاقی بیفتد، می‌توانند بودجه را تامین کنند و نگذارند بودجه با شکست مواجه شود.

■ چرا رقم ۷۲ دلار انتخاب شد؟

گزینه‌های مختلفی در دولت بررسی شد. چند شاخص در بودجه وجود دارد که این شاخص‌ها بیشتر محاسباتی است؛ برای مثال، قیمت نفت، نرخ ارز، میزان صادرات غیرنفتی، صادرات نفت و... روی هر یک از این شاخص‌ها خیلی صحبت شد. حالا ما اگر هم فرض کنیم در آینده قیمت نفت کاهش یابد، در مقابل ممکن است توان صادراتی کشور بالا رود.

شاخص‌های دیگری هم در ارقام بودجه وجود دارد که همه آن‌ها قابل تغییر است. این‌طور نیست که ما خیلی راحت بگوییم چون قیمت نفت در بازار جهانی کاهش یافته، بنابراین ما هم قیمت نفت در بودجه را خیلی پایین در نظر بگیریم. بالاخره چند متغیر وجود دارد که روی هر کدام از آن متغیرها بحث‌های زیادی شده است.

به نظر من نباید عجولانه قضاوت کرد. الان یک‌مقدار عجولانه قضاوت می‌شود. معاون اول رئیس‌جمهور هم چندی پیش در صحبت‌های خود گفت قرار نیست منابع ارزی کم شود، چون گزینه‌های دیگری در اختیار دولت است که می‌تواند کاهش درآمدهای ارزی حاصل از صادرات را جبران کند.

■ صندوق توسعه ملی هم می‌تواند یکی از گزینه‌ها باشد؟

صندوق توسعه ملی محدودیت‌های قانونی دارد، اما در برنامه‌های دستگاه‌های اجرایی برای سال‌های آینده پیش‌بینی شده است که میزان صادرات افزایش پیدا کند. رقمی که ما الان برای صادرات نفت‌خام و میعانات گازی در نظر گرفته‌ایم، عین رقمی است که برای سال ۱۳۹۳ پیش‌بینی شده بود. یعنی هم میزان صادرات نفت‌خام، هم میزان صادرات میعانات گازی و هم میزان فروش میعانات گازی و پتروشیمی دقیقا همان رقم‌هایی است که در سال ۱۳۹۳ هم داشتیم، بنابراین امکان افزایش برای سال آینده وجود دارد.

موارد دیگری هم وجود دارد که بتوان درآمدهای ارزی را افزایش داد. از سوی دیگر، روش‌هایی مثل آزاد شدن بخشی از دارایی‌های بلوکه شده کشور می‌تواند به تأمین منابع بودجه کمک کند. البته در نهایت امر، در زمانی که کمیسیون‌های تخصصی مجلس و نیز کمیسیون تلفیق، لایحه بودجه را بررسی می‌کنند، می‌توانند ارقام بودجه را تعدیل کنند.

چگونه بودجه با شکست مواجه نمی‌شود؟

خط قرمز قیمت نفت در بودجه

اما مسأله‌ای که وجود دارد، این است که اگر منابع تعدیل شود، باید متناسب با آن مصارف بودجه نیز تعدیل شود. در کنار آن، در صورتی که مجلس به این نتیجه برسد که نرخ نفت در همین حد باقی بماند، اما در سال آینده درآمدهای ارزی کشور کمتر شود، آن زمان نیز روال خاصی وجود دارد.

براساس ماده ۳۰ قانون برنامه و بودجه، کمیته تخصیص اعتبار پیش‌بینی شده و این کمیته در طی سال تشکیل جلسه می‌دهد و اعضای آن‌هم از سازمان مدیریت و برنامه و هم خزانه هستند. در این کمیته، روال وصولی‌ها را بررسی می‌کنند و اگر اختلالی در وصولی‌ها وجود داشته باشد، متناسب با آن در مورد اعتبارات هزینه‌ای و سرمایه‌ای تصمیم می‌گیرند و سپس تخصیص‌ها را به دستگاه‌ها ابلاغ می‌کنند.

همچنین اگر اختلالی در منابع وجود داشته باشد، مصارف نیز متناسب با آن تعدیل می‌شود؛ همان اتفاقی که در سال‌جاری افتاد و یک مقدار منابع با مشکل مواجه شد. سال‌های گذشته هم همین‌طور بوده است. مسأله تخصیص اعتبار از اختیاراتی است که طبق ماده ۳۰ قانون برنامه و بودجه داده شده که در صورت لزوم تعدیل انجام شود. منتها تعدیلی که صورت می‌گیرد، همین‌طوری نیست که ما از بالا به پایین بودجه را با یک درصد ثابتی کم کنیم. اولویت‌گذاری شده است. یعنی اگر قرار باشد بودجه طرح‌های عمرانی کاهش پیدا کند، بودجه طرح‌هایی را کم می‌کنند که امکان خاتمه آن در طول امسال و سال آینده وجود نداشته باشد.

همچنین بودجه طرح‌هایی را که مدت زیادی برای خاتمه نیاز دارند و پیشرفت فیزیکی پایینی دارند، تعدیل می‌کنند یا اینکه اگر اعتبارات هزینه‌ای را خواستند کم کنند، اعتبارات مربوط به حقوق و دستمزد را کم نمی‌کنند و سایر اعتبارات هزینه‌ای مثل حق مأموریت‌ها را تعدیل می‌کنند. قرار نیست اتفاق خاصی در اقتصاد کشور بیفتد. در واقع کارهایی که ضروری نیست، انجام نمی‌شود و به کارهای اصلی دولت آسیب نمی‌زند.

■ نوبخت در صحبت‌های اخیر خود بیان کردند که چند مرکز پژوهشی پیش‌بینی کردند قیمت نفت به بیش از ۸۰ دلار می‌رسد. این مراکز پژوهشی کجاها هستند؟

مؤسسات زیادی هستند که کار پیش‌بینی بازار نفت را انجام می‌دهند. این مراکز بین‌المللی هستند و به طور معمول همه ساله بازار را پیش‌بینی می‌کنند. ما نباید خودمان را با کشورهایی مثل عربستان سعودی، کویت و امارات متحده عربی مقایسه کنیم. این‌ها کشورهایی هستند که اصلاً نیازی به منابع ارزی ندارند. این کشورها در سال‌های گذشته منابع ارزیشان بیشتر از نیازشان بوده است، بنابراین مبالغ ارزی زیادی را ذخیره کردند. برایشان هم مهم نیست که قیمت نفت ۳۰ دلار شود یا ۱۰ دلار. برای همین هم مذاکرات اوپک با مشکل مواجه می‌شود و در کارشان به نتیجه نمی‌رسند. در رابطه با کاهش قیمت نفت هم بیشتر مساله سیاسی بوده تا اقتصادی.

این مسائل قبلاً هم وجود داشته و الان هم هست. اما بالاخره باید آمادگی به وجود آمدن این شرایط وجود داشته باشد. خوشبختانه ما برای بودجه گزینه‌های مختلفی در نظر گرفتیم. این‌طوری نبود که فقط یک گزینه را داشته باشیم و هیچ کاری را نتوانیم انجام دهیم. برای مثال، یکی از گزینه‌هایی که داشتیم، با فرض ادامه شرایط تحریم و روال فعلی بوده است. گزینه‌هایی هم وجود داشت که اگر تحریم‌ها تشدید شد، چه کنیم.

■ مشخص است که خط قرمز قیمت نفت در بودجه چه رقمی است؟

ما خط قرمز نداریم. در سال ۱۳۶۵ یا سال ۱۳۷۷ حتی قیمت نفت به کمتر از ۱۰ دلار رسید و درآمد نفت خیلی پایین آمده بود، اما ما بودجه‌مان را بستیم و هیچ اتفاقی هم نیفتاد. به عبارتی، این‌گونه نیست که ما خط قرمز داشته باشیم و نتوانیم بودجه را ببندیم. ما در شرایط مختلف می‌توانیم با اولویت‌گذاری‌هایی که انجام می‌دهیم، بودجه را تنظیم کنیم. ما به آن شکل خط قرمز در حوزه قیمت نفت نداریم و به دلیل اختیاراتی که دولت دارد، می‌شود بودجه را در گزینه‌های مختلف تنظیم کرد و با تصمیم مجلس اجرا کرد.

دولت تاکنون با وجود کاهش قیمت نفت تاکید داشته که با صرفه‌جویی در سال‌جاری کسری بودجه نخواهد داشت، اما توضیح داده نشده که این صرفه‌جویی‌ها در کدام بخش‌ها خواهد بود. در این رابطه توضیح دهید.

ببینید، تخصیص‌هایی که برای ۶ ماه اول سال داده شده بود، براساس قیمت‌های قبلی بوده است. حالا هم که قیمت نفت پایین آمده است، تخصیص‌ها براساس همان روال قبلی نیست. یعنی هم اعتبارات عمرانی و هم اعتبارات هزینه‌ای و جاری تغییر می‌کند؛ منتها با اولویت‌گذاری‌ای که صورت گرفته است. طرح‌های اولویت‌دار و طرح‌هایی که امکان خاتمه در سال‌جاری دارد، اصلا تعدیل نمی‌شود.

به عبارتی، پروژه‌های با پیشرفت فیزیکی کمتر از ۲۰ درصد حتما تعدیل بیشتری خواهند داشت. البته در اعتبارات هزینه‌ای هم این‌طوری نیست که تخصیص‌ها ۱۰۰ درصد باشد. درست است که بخش دستمزد و حقوق خیلی سهم بالایی را در اعتبارات هزینه‌ای دارد، ولی باقی اعتبارات هزینه‌ای قابل تعدیل هستند؛ مثل ماموریت‌ها و خرید مواد مصرفی. برای نمونه، دستگاه‌ها می‌توانند میز و صندلی نخرند و لوازم مصرفی را دیرتر بخرند. این موارد قابل تعدیل است.

■ با این اوصاف، شما احتمال کسری بودجه در سال‌جاری را رد می‌کنید؟

من گفتم کسری نخواهیم داشت، اما امکان دارد که یک عدم تعادل میان منابع و مصارف ایجاد شود که عدم تعادل را با صرفه‌جویی‌هایی که انجام می‌دهیم، از بین می‌بریم، بنابراین عدم تعادل هم نخواهیم داشت.

مدیرکل امور اقتصادی و دارایی استان:

برنامه‌ریزی در کشور احیا می‌شود

احیای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، موضوعی است که از تابستان سال گذشته در بهارستان مطرح شد، سازمانی که با روی کار آمدن دولت نهم منحل شد. این سازمان ابتدا با عنوان سازمان برنامه و بودجه در سال ۱۳۲۷ برای نخستین‌بار با تصویب ۷ ساله عمرانی اول با نام سازمان برنامه پایه‌گذاری شد و وظیفه مراقبت و نظارت بر اجرای برنامه بود. سازمان برنامه و بودجه در تیرماه ۷۹ با سازمان امور اداری و استخدامی کشور ادغام و با این ادغام سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تشکیل شد و ۱۸ تیرماه ۸۶ پس از ۶۰ سال منحل و وظایف آن به ۲ معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی و معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی منتقل شد و پس از آن به تصمیم دولت نهم انتقادهایی وارد شد. موافقان و مخالفان این اقدام نظرات خود را داشتند. مخالفان انحلال آن را مغایر با مصوبات مجلس شورای اسلامی عنوان کردند و در مقابل موافقان آن را یک اقدام دانستند. کارشناسان و تحلیلگران این اقدام دولت گذشته را اینگونه تحلیل کردند که دولت احمدی‌نژاد می‌خواست دستش باز باشد. اما زمانی که حسن روحانی، رئیس‌جمهور شد در نخستین نشست مطبوعاتی خود از احیای دوباره سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی خبر داد و با واکنش مثبت مجلس هم روبه‌رو شد. در ادامه در گفتگویی که با مدیرکل امور اقتصادی و دارایی استان همدان داشته‌ایم، سید ناصر محمودی از دلایل انحلال سابق سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و احیای دوباره سخن گفت.

■ **دولت‌ها برای سامان دادن به فعالیت‌های اقتصادی چه سیاست‌هایی را تدوین می کنند ؟**

سیاستگذاران و برنامه‌ریزان سعی می‌کنند آینده را بر مبنایی که در گذشته بوده است، برنامه‌ریزی کنند. در اغلب کشورها سازمان‌های برنامه‌ریزی وظیفه این امور را بر عهده دارند. هدف اصلی ایجاد چنین سازمان‌هایی هدایت نظام برنامه‌ریزی کشور است. در ایران هم برای نخستین‌بار برنامه توسعه کشور در سال ۱۳۲۷ طراحی شد و تا امروز دو برنامه ۷ ساله و ۳ برنامه ۵ ساله پیش از پیروزی انقلاب و پس از انقلاب نیز با یک وقفه ۱۰ ساله، یعنی از سال ۶۹ برنامه‌های ۵ ساله به منظور دستیابی به توسعه همه‌جانبه کشور طراحی و اجرا شد که در حال حاضر در پایان برنامه پنجم توسعه هستیم.

■ **نقش سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در ایران چگونه بوده است؟**

نقش این سازمان در ایران صرفاً به عنوان سازمان برنامه‌ریزی نبوده است، بلکه یک نقش کارشناسی و کمک در تدوین سیاست‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و بررسی و تجزیه و تحلیل امر بودجه‌ریزی و همچنین نوعی نظارت بر اجرای بودجه بوده است. در کشورهایی که سازمان‌های توسعه‌یافته‌ای دارند، سازمان‌های مستقل به منظور برنامه‌ریزی برای توسعه ملی و منطقه‌ای وجود دارد. این سازمان‌ها برنامه‌های توسعه‌ای را تهیه و به نهادهای قانونی برای اجرا ابلاغ می‌کنند. در اینگونه کشورها این سازمان‌ها مستقل از نهادهای اجرایی هستند که برنامه‌های عملیاتی را طرح کرده و اجرای پروژه‌ها را با در نظر داشتن برنامه‌ها و اسناد بالادستی تطابق داده و با نظارت مستمر مانع از انحراف برنامه‌ها می‌شوند.

در نهایت با ارزیابی عملکرد نهادهای اجرایی و روش‌های سنجش آن، نهادها و سازمان‌ها را هدایت کرده و با شناسایی نقاط قوت و ضعف آنها در برنامه‌ریزی‌های بعدی دقت نظر بیشتری را انجام می‌دهند تا فرایند توسعه‌ای راحت‌تر انجام شود.

■ **چرا سازمان مدیریت منحل شد؟**

در دولت گذشته با توجه به اینکه افزایش درآمدهای نفتی بسیار بالا رفت و دولت به منظور اجرای بدون مزاحم برنامه‌های خود و اینکه بتواند پروژه‌های مورد نظر خود را به سرعت انجام دهد سازمان را منحل کرد یک بررسی تاریخی به ما نشان می‌دهد هر کجا درآمدهای نفتی افزایش پیدا کرده و پول کلان و قابل توجهی در اختیار دولت قرار گرفته است، دولت به نوعی چشم طمع به آن دوخته و خود را عملیاتی کند، حتی در برنامه چهارم توسعه نیز بر این امر تأکید شد.

بودجه‌ریزی عملیاتی از طرف کشورهای پیشرفته و صنعتی اروپایی مطرح شده و دلیل آن این است که شیوه بودجه‌ریزی شریان‌های مالی را شفاف می‌کند و با توجه به کارایی زیاد نظام بودجه‌ریزی حس مسئولیت‌پذیری و کوتاه‌مدت اشاره کرد. همچنین نظارت بر اجرای آنها و ارزیابی پیشرفت سالیانه آنها و تعیین ضوابط اقتصادی، اجتماعی، فنی و مالی به منظور ارزیابی فعالیت‌های انجام شده در دستگاه‌های اجرایی و از همه مهمتر برنامه‌ریزی دقیق و مدون برای ارائه به موقع بودجه سالانه کشور به مجلس، کنترل تورم و نظم و انضباط دادن به مسائل مالی و پولی کشور از دیگر وظایفی است که نقش برجسته سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی را نشان می‌دهد.

■ **دلیل اصلی دولت گذشته چه بود؟**

دولت گذشته احساس می‌کرد که سازمان مدیریت به نوعی مزاحم فعالیت‌هایش است و در یک اقدام غیرکارشناسی نسبت به انحلال آن اقدام کرد و همان‌طور که اشاره شد هرگاه درآمدهای نفتی در ایران بالا رفته اصولاً دولت‌ها سازمان نظارت بر هزینه‌کرد خود را نمی‌خواهند تا آن سختگیری‌ها و کنترل بودجه به آنها تحمیل نشود. توجیه دولت گذشته در انحلال سازمان این بود که دوست دارد بدون مزاحم نظارتی بر کارها سرعت ببخشد که متأسفانه پس از ۶۰ سال فعالیت سازمان برنامه‌ریزی کشور، نهادی که از ابتدا نقش نظارتی داشت تیرماه ۸۶ منحل شد. ضرورت برنامه‌ریزی در یک جامعه هوشمند پیش رو به شدت احساس می‌شود و بودجه‌ریزی ابزار تخصیص منابع محدود به نیازهای نامحدود است. با افزایش وظایف دولت و توسعه آن و سرعت گرفتن خارج هزینه‌ای و عمرانی دولتی و ارتباط آن با وضعیت عمومی اقتصاد کشور نیاز به بهبود در سیستم‌های برنامه‌ریزی، کنترل و مدیریت منابع بخش عمومی ضروری است تا تصمیم‌گیران دید وسیع‌تری پیدا کرده و اطلاعات وسیعی در مورد نتایج عملکردها و هزینه‌های اجرایی داشته باشند.

■ **نظارت بر بودجه و عملیاتی کردن آن چگونه محقق می شود ؟**

کارشناسان و اقتصاددانان اتفاق نظر دارند ضرورت وجود یک نهاد مرکزی برای برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی و نظارت آن یک ضرورت است. یکی از بهترین راههای جلوگیری از انحراف برنامه‌های بالادستی نظارت دقیق که وضعیت اقتصاد ایران را به ثبات، آرامش، هماهنگی و برنامه‌ریزی منسجم برای تعادل میان بخش‌های مختلف و همراستا کردن حرکت دستگاه‌های متعدد و اجرایی است و این مهم بر عهده مدیریت و برنامه‌ریزی کشور است. در دولت‌های گذشته بخصوص از سال ۷۸ و در برنامه توسعه سوم ضرورت بودجه‌ریزی عملیات مطرح شد. دولت از آن زمان مکلف شد نظام بودجه‌ریزی خود را عملیاتی کند، حتی در برنامه چهارم توسعه نیز بر این امر تأکید شد.

اگر بخواهیم اشاره‌ای به وظایف سازمان مدیریت و دقت نظر آن داشته باشیم می‌توان به استفاده بهینه از نیروهای کارشناسی و افراد متخصص و اهل فن به منظور تهیه و تنظیم سیاست‌ها و برنامه‌های بلندمدت، میان‌مدت مدیران در تصمیمات گرفته شده بیشتر و بالاتر خواهد رفت.

■ **مهم‌ترین فایده چیست؟**

نکته اساسی و مهم در بودجه‌ریزی عملیاتی نسبت به روش سنتی این است که افزایش پاسخگویی دستگاه‌های اجرایی، بهبود نحوه تخصیص منابع، افزایش کارایی و کیفیت، جلوگیری از کاهش کسری بودجه، تضمین برنامه‌های افزایش کارایی و اثربخشی آن است. در این روش، بودجه‌ریزی شبیه حسابداری صنعتی است که قیمت تمام شده را مشخص می‌کند چرا؟

چون پس از مشخص شدن قیمت تمام شده هر واحد است که می‌شود بودجه سال آینده دستگاه‌های دولتی را به طور دقیق تعیین کرده و در این صورت چانه‌زنی دستگاه‌ها و مناطق مختلف و افزایش فشارها در اختصاص بودجه‌های بخش با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور که به عنوان نهاد اصلی برنامه‌نویسی و بودجه‌ریزی است، کاهش می‌یابد و بودجه به حداقل ممکن می‌رسد.

امروز بخش عمده‌ای از کسری بودجه فعلی کشور ما ناشی از نامشخص بودن قیمت تمام شده و ابهام در اولویت دستگاه‌هاست که خود عامل بزرگی برای تشدید تورم است. تحقق پیدا نکردن درآمدهای دولت که به تجربه هر ساله بدل شده است بهترین دلیل برای تغییر بودجه‌ریزی کشور است. با این حال می‌توان انحلال سازمان را در دولت گذشته به‌رغم تمهیدات اندیشیده شده در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه و سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، یک اقدام غیرکارشناسی خواند که به منظور فرار از پاسخگویی و شفاف‌سازی صورت گرفته می‌توان تحلیل کرد.

■ **به نظر شما احیای دوباره سازمان برنامه و بودجه چگونه مفید خواهد بود؟**

در احیای دوباره سازمان برنامه‌ریزی باید گفت که بررسی اتفاقات نادر انجام شده در طول سال‌های گذشته که سازمان مدیریت منحل شد و تبعات ناشی از آن شامل تأخیر دولت در ارائه لایحه بودجه سالانه که هر سال شاهد آن بودیم، افزایش فساد اداری و اقتصادی در مقیاس بزرگ به دلیل نبود نظارت مستمر بر امور اجرایی کشور، افزایش تعداد پرسنل دولتی در سال‌های گذشته که مغایر با برنامه‌های قبلی بود منجر به بزرگ شدن دولت شد که این عوامل از تبعات انحلال سازمان مدیریت بود که نیاز به احیای دوباره آن را دوچندان می‌کند.

احیای این سازمان، مدیریت و برنامه‌ریزی کشور را اثبات می‌کند. در این راستا احیای سازمان را احیای برنامه‌ریزی در کشور می‌دانم. می‌توان با احیای سازمان از بروز فساد اداری و مالی در نهادها و دستگاه‌های اجرایی و با نظارت و ارزیابی مستمر جلوگیری کرد و نیز نکته مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد هماهنگی بیش از پیش بین دستگاه‌های کلان اقتصادی و برنامه‌ریزی کشور از جمله سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی اشاره کرد.

گفت‌وگو با خسرو سامری درباره تشکیل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

سازمان مدیریت دوباره در نقطه آغاز

سعیده آقاخانی

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور از ادغام ۲ سازمان امور اداری و استخدامی کشور و سازمان برنامه و بودجه تشکیل شده بود. سازمان برنامه و بودجه در سال ۱۳۲۷ در ایران پایه‌گذاری شد و وظیفه آن مراقبت و نظارت بر اجرای برنامه‌ها و لوایح بودجه بود که تیرماه ۱۳۸۶ به دستور محمود احمدی‌نژاد منحل شد و وظایف آن به ۲ معاونت ریاست جمهوری تحت عناوین معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی و معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی منتقل شد.

پس از پایان دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد و انتخاب حسن روحانی به عنوان رئیس‌جمهور جدید، احیای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی بار دیگر در دستور کار دولت قرار گرفت و در اواخر پاییز ۹۳ تشکیل این سازمان به دستور رئیس‌جمهور در شورای‌عالی اداری کشور تصویب شد.

بر این اساس قرار است این سازمان وظایف ۲ معاونت مذکور را بر عهده بگیرد؛ ضمن اینکه وظایف، اختیارات و فعالیت‌های این سازمان از استانداردها جدا می‌شود تا سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تشکیل شود.

براساس مصوبه شورای‌عالی اداری، انتخاب و انتصاب رئیس این سازمان در استان با پیشنهاد استاندار و تأیید و ابلاغ رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور صورت می‌گیرد و استاندار تنها می‌تواند بررسی، برنامه‌ریزی و اجرای مصوبات مختلف در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را به این سازمان پیشنهاد و ارجاع کند.

همچنین بر این اساس اعلام شده است که به منظور تمرکززدایی و تبدیل سازمان مدیریت به سازمانی هدایتگر، چابک و حامی، سازمان کشور موظف است آن بخش از وظایف و اجرای خود را که جنبه اجرایی دارد و قابل واگذاری به دستگاه‌های ملی، استانی و حتی تشکل‌های غیردولتی حرفه‌ای است مشخص و ظرف مدت ۶ ماه به آنها واگذار کند و اداره این سازمان نیز بر عهده رئیس‌جمهور و رئیس سازمان است.

با توجه به تفکیک وظایف اجرایی از سازمان و آغاز تشکیل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان‌ها، درباره چگونگی این تحول در استان همدان با خسرو سامری، سرپرست معاونت برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری استان همدان گفت‌وگویی کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانیم.

سامری در این گفت‌وگو بر پررنگ شدن مباحث برنامه‌ریزی در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی تأکید دارد.

با توجه به اینکه لایحه بودجه ۹۴ در حال حاضر در مجلس شورای اسلامی در حال بررسی است، آیا سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی می‌تواند در بندهای این لایحه تأثیر بگذارد؟

این لایحه قبلاً تدوین شده است و تمامی مسائل با نمایندگان در میان گذاشته و هماهنگ شده است؛ لذا تشکیل این سازمان و تلفیق ۲ معاونت رئیس‌جمهور تأثیری بر بودجه ۹۴ نخواهد داشت.

مخالفان احیای سازمان می‌گویند، این اتفاق مانع تمرکززدایی می‌شود و اختیارات را به مرکز برمی‌گرداند، نظر شما چیست؟

سازمان در استان دارای اختیاراتی است که مرکز برای آن تعریف کرده است و هنوز شرح وظایف و نحوه فعالیت آن به صورت تفصیلی ابلاغ نشده است که بتوان در این باره نظر دقیقی داد.

به هر حال اگر سازمانی چابک تشکیل شده و مباحث برنامه‌ریزی در آن تقویت شود که براساس سند بالادستی و بودجه است، مفید خواهد بود و تصمیم‌گیری‌ها براساس استراتژی ویژه انجام می‌شود.

ضمن اینکه با سپردن وظایف اجرایی این سازمان به سایر دستگاه‌های استانی و ملی، موضوع تمرکززدایی با تشکیل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی تقویت خواهد شد.

آیا آغاز فعالیت این سازمان در استان در فرایند استخدامی افرادی که مراحل استخدامی را گذرانده‌اند، اما تعیین تکلیف نشده‌اند، تأثیرگذار است؟

تمام کسانی که در سال‌های گذشته فرایند استخدامی را به طور کامل گذرانده‌اند (آزمون داده‌اند و مورد پذیرش قرار گرفته‌اند، گزینش شده‌اند و ردیف استخدامی دارند)، در سال آینده به تدریج جذب دستگاهی خواهند شد و تشکیل سازمان تأثیری بر این موضوع نخواهد داشت.

با توجه به تفکیک سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی از استانداری‌ها، آیا در بدنه این سازمان نیروهای انسانی جدید به کار گرفته می‌شوند یا نیروهای قبلی سازمان به کار خود برمی‌گردند؟

براساس تعداد پست‌های مورد نیاز سازمان از نیروهای سابق سازمان بهره گرفته می‌شود. استخدام جدید نداریم مگر اینکه با توجه به بازنشستگی برخی افراد از این سازمان، استخدام جدیدی در چارچوب قانونی انجام شود.

احیای کیاست

مهدی غلامی

مدیرانی که در سال ۱۳۲۸، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی را برای ساماندهی امور عمرانی کشور تشکیل دادند از این الگوی وارداتی موفق - در کشورهای در حال توسعه- به عنوان راهکار اساسی برای سروسامان دادن به وضعیت مدیریت کشوری و دغدغه‌های اقتصادی مردم کشور یاد می‌کردند.

به همین دلیل بود که دولت وقت تصمیم گرفت برای هماهنگ‌کردن برنامه‌های عمرانی، هیأتی به نام هیأت عالی برنامه تشکیل دهد. بعدها نام این هیأت با تغییراتی که در وظایف و تشکیلات اداری آن به وجود آمد به سازمان برنامه و بودجه تغییر نام یافت.

سازمانی که با طی کردن آزمون و خطا در کشورهای مختلف دنیا به اعتبار وجودی آن یقین هست، در سن ۶۵ سالگی خود در کشور ما بلاتکلیف رها شده است. تا جایی که برای دولت برنامه محور نهم، سازمانی اضافه و بدون برنامه تلقی می‌شد!

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور از همان روزهای اول پس از ادغام نتوانست آنچنان که تحت نام برنامه‌ریزی اقتصادی کشور بود، عمل کند. دلیل آن را می‌توان در ضعف تعریف جامع و کامل شرح وظایف عنوان کرد؛ زیرا این امر سبب ایجاد یکسری تضادها و مأموریت‌های متفاوت شده بود که از چابکی و کارآیی این سازمان می‌کاست. البته ساختار سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور از همان ابتدا با نارسایی‌هایی روبه‌رو بوده است. مثلاً آخرین قانونی که در رابطه با این سازمان ابلاغ شده مربوط به دهه ۵۰ است که ساختار اقتصادیاش به همان سال‌ها باز می‌گردد و با تحولات اقتصادی امروز، به روز نشده است.

حال اگر به این ضعف، گرایش به سمت تمرکزگرایی و ادغام را نیز بیفزاییم حتماً مشکلات بیشتری نیز پیش روی خواهد بود. لذا این چالش‌ها اجازه برنامه‌ریزی کامل و صحیح اداری و استخدامی را به این سازمان نمی‌داد. لیکن مدیران وقت این امید را داشتند که در سال‌های بعد این موانع در سایه مطالعات کارشناسی شده و علمی کاسته و رفع شوند؛ چراکه کشور برای گام نهادن در یک سیستم منظم و حساب شده اقتصادی و اداری به این سازمان احتیاج داشت.

لذا در سال ۸۶، دولت با شاهکاری مدبرانه قدم در راه تمرکززدایی گذاشت و به اصطلاح با تفکیک این سازمان به دنبال تفکیک سطوح مختلف نظام برنامه‌ریزی رفت.

پس از تفکیک سطوح مختلف نظام برنامه‌ریزی بود که مشاهده شد چگونه در دوره وفور درآمدهای نفتی، بدنه کارشناسی برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی کشور قدرت نظارت خود بر چگونگی هزینه‌کرد این درآمدها را از دست داد! (در طول هفت سال و نیمی که سازمان برنامه‌ای وجود نداشت، ۷۰۰ میلیارد دلار درآمد نفتی به‌گونه‌ای هزینه شد که نه تنها رشد اقتصادی برای کشور به‌وجود نیاورد؛ بلکه نهایتاً کار را به جایی رساند که ۲ هزار و ۹۰۶ طرح نیمه‌تمام روی دست دولت یازدهم باقی بماند و علاوه بر آن مردم سخت‌ترین شرایط اقتصادی را در سال‌های ۹۱ و ۹۲ تجربه کنند؛ چراکه در این سال تورم به بالای ۴۰ درصد رسید و رشد اقتصادی منفی شد و به حدود منفی ۷ درصد رسید.

به همین دلیل بود که دولت وقت تصمیم گرفت برای هماهنگ‌کردن برنامه‌های عمرانی، هیأتی به نام هیأت عالی برنامه تشکیل دهد. بعدها نام این هیأت با تغییراتی که در وظایف و تشکیلات اداری آن به وجود آمد به سازمان برنامه و بودجه تغییر نام یافت.

سازمانی که با طی کردن آزمون و خطا در کشورهای مختلف دنیا به اعتبار وجودی آن یقین هست، در سن ۶۵ سالگی خود در کشور ما بلاتکلیف رها شده است. تا جایی که برای دولت برنامه محور نهم، سازمانی اضافه و بدون برنامه تلقی می‌شد!

پس از پیروزی انقلاب و با تشکیل دولت موقت، سازمان برنامه و بودجه با نام سازمان برنامه و بودجه کشور تشکیل شد و در سال ۱۳۵۹ با ادغام سازمان امور اداری و استخدامی کشور در آن، سازمان برنامه و بودجه کشور تشکیل شد.

سازمان برنامه و بودجه کشور در سال ۱۳۶۱ با ادغام وزارت امور اقتصاد و دارایی در آن، سازمان برنامه و بودجه و امور اقتصاد و دارایی تشکیل شد.

سازمان برنامه و بودجه و امور اقتصاد و دارایی در سال ۱۳۷۱ با ادغام وزارت بازرگانی در آن، سازمان برنامه و بودجه و امور اقتصاد و بازرگانی تشکیل شد.

سازمان برنامه و بودجه و امور اقتصاد و بازرگانی در سال ۱۳۷۹ با ادغام سازمان امور اداری و استخدامی کشور در آن، سازمان برنامه و بودجه کشور تشکیل شد.

سازمان برنامه و بودجه کشور در سال ۱۳۸۶ با ادغام سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در آن، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تشکیل شد.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در سال ۱۳۸۶ با ادغام سازمان برنامه و بودجه کشور در آن، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تشکیل شد.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در سال ۱۳۸۶ با ادغام سازمان امور اداری و استخدام

کارشناس اقتصادی از احیای سازمان اقتصادی می‌گوید:

سازمان صرف یک نام و تابلو به تنگنای بیراهه رفتن است

معصومه کمالوند

احیای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در کشور، سازمانی که بایدها و نبایدهای بودن و نبودنش به پایان می‌رسد و از دیدگاه کارشناسان، دوباره شکل‌گیری آن یک رخداد خوب است و می‌توان آن را به فال نیک گرفت و نبودنش هم ضربه‌ها و آسیب‌های خودش را وارد می کند اما این شرط هم مطرح است حالا که سازمان احیا می‌شود باید براساس یک برنامه‌ریزی درست و راهبردی و با شناخت پیش رفت تا خروجی کار آن چنان که در برنامه‌ریزی‌ها مطرح و مورد هدف قرار گرفته است باشد؛ زیرا در غیر این صورت نبود سازمان با بودنش تفاوتی نخواهد داشت و صرف یک نام و تابلو، باری از اقتصاد این کشور نه تنها برنخواهد داشت؛ بلکه خود بی‌برنامه پیش رفتن و در تنگنای بیراهه رفتن آسیب‌زا و مشکل‌ساز است. و باید نگاه مدیریتی را هم مدنظرداشت؛ زیرا صرف احیای سازمان تعیین کننده نخواهد بود.

ابوالفضل شاه‌آبادی عضو هیأت علمی دانشگاه در این رابطه نظرهای متنوعی دارد مبنی بر اینکه آیا احیای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی یک ضرورت محسوب می‌شود؟ می‌گوید: البته که ضرورت است، چرا که اقتصاد ایران به هر حال حالا ۶۰ سال قدمت دارد و برنامه دارد و حالا بگذریم از اینکه تا چه حد براساس این برنامه‌ریزی پیش رفته و اجرایی شده است اما به هر حال ما یک کشور توسعه‌یافته نیستیم؛ بلکه در حال توسعه هستیم و باید این شکاف‌های توسعه‌نیافتگی را با برنامه‌ریزی و طبق برنامه پیش رفتن پر کرده و به توسعه مدنظری که رسیدن به آن چندان هم دور نیست برسیم.

برای این رسیدن هم مولفه‌ها و اولویت‌های خاص مطرح است که باید توجه داشت مثلاً با انطباق قابلیت‌ها و یک شناخت دقیق و کارشناسی این شکاف و فاصله را پر کرد.

یا همین حوزه فناوری را ارتقا داد؛ زیرا نقش تعیین‌کننده‌ای در پر کردن خلأهای موجود دارد و اینجاست که به اهمیت این موضوع می‌رسیم که باید با یک برنامه‌ریزی اصولی و منطبق با واقعیت و توانایی کشور برنامه‌ریزی کرد تا به اصل مورد نظر رسید.

انحلال سازمان هم، کم آسیب نداشت

اما این استاد دانشگاه در اینکه این سازمان و برنامه‌هایش تا چه حد در توسعه‌یافتگی مثلاً در توسعه استان می‌انجامد، معتقد است که اگر این سازمان و برنامه‌هایش متوازن پیش برود و نگاهی جدی به شکاف‌هایی که موجود است داشته باشد و براساس برنامه و قانونی که مصوب شده و متناسب با توانایی‌های تعریف شده باشد یقیناً به خوبی نقش خود را در رسیدن و تحقق توسعه‌یافتگی ایفا کند و نتیجه قابل قبولی هم برای احیا و فعالیت سازمان در کشور به بار آورد و این انتظار ما در یک فضای کاملاً خوشبینانه است که اگر نشود باید موشکافی کرد.

اما در بحث انحلال سازمان هم حرف هست و اینکه زمانی با انحلال آن آسیب‌هایی هم به بدنه کار وارد شد و حالا با احیای آن باید این بدنه کارشناسی ترمیم شود و اینجاست که مهمترین و اولویت کار سازمان مشخص می‌شود و آن هم توجه به بدنه کارشناسی سازمان و ترمیم آن است.

به اعتقاد این استاد دانشگاه، با ترمیم این حوزه است که می‌شود سپس به ایفای وظیفه سازمان که حالا می‌خواهد برنامه ششم باشد یا لایحه و بودجه سال‌های آینده امیدوار شد که قطعاً می‌تواند نقش‌آفرین و مؤثر واقع باشد.

اما اینجا باز یک موضوعی مطرح است اینکه، نوع نگاهی که در سازمان جاری می‌شود با چه زاویه و نگاه توسعه‌ای است، چرا که حوزه‌های دست یافتن به راهبردهای هر کدام تعاریفی دارد و برخی از این راهبردها ممکن است که خوب جواب ندهد؛ لذا باید با راهبرد درستی کار خود را پیگیری کند و اگر بدنه کارشناسی که بر ترمیم آن تاکید را درست پیش ببریم در اجرای مدیریت صحیح که لازم و ملزوم یگدیگر هستند می‌توانیم موفق عمل کنیم و اینجاست که می‌توان گفت: هم نوع نگاه مدیریتی و هم بدنه کارشناسی که در این سازمان قرار می‌گیرد می‌تواند مؤثر و راه‌گشا باشد.

حالا این انطباق و اساس‌ها چه می‌تواند باشد؟ از دیدگاه شاه‌آبادی اگر در این برنامه‌ریزی‌های کارشناسی شده و مدیریت‌هایی که قرار است نوع آن مکمل برنامه‌ریزی مورد نظر باشد، می‌توان به پاسخ مورد نظر رسید مواردی چون انطباق با ساختار اقتصادی است و حضور و انطباق کشور و جایگاه آن در عرصه‌های بین‌المللی و واقعیت‌های داخل و بیرون کشور با الهام از استراتژی‌های گفته شده است که در این تعریف قطعاً مثمر به ثمر خواهد بود.

می‌توان در انحلال سازمان به فساد اقتصادی قائل بود؟

حالا این نکته مطرح است که آیا در انحلال سازمان به وجود مفاسد اقتصادی قائل شد؟ از نظر این کارشناس اقتصادی نمی‌شود به سادگی گفت که عدم سازمان فساد اقتصادی را به بار می‌آورد یا اصلاً عکس آن هم را مطرح کرد. و این به نیاز به مطالعه جدی دارد بیاییم واقع‌بینانه‌تر نگاه کنیم و ریشه‌یابی، یک وقتی است که می‌بینیم که ریشه فساد در آنچه تعریف و قانونگذاری شده و منطبق با آن اجرا نمی‌شود، دیده م شود و در یک کار کارشناسی آنچه با یک شناخت جامع و در نظر گرفتن آثار و تبعات حالا کوتاه، میان و درازمدت برنامه‌ریزی شده است اما براساس آن رفتار و تصمیمات اتخاذ شده اجرا نمی‌شود ریشه‌های فساد ایجاد می‌شود.

مثلاً وقتی نرخ سود بانکی با نرخ سود تورم انطباق ندارد یقیناً فسادبرانگیز است و اینجاست که اگر کسی با عینک شکار لحظه‌ها پیش برود و از موقعیت موجود استفاده کند فساد شده است. حالا باید گفت چند درصد افراد جامعه هستند که ازین شرایط استفاده نمی‌کنند؟ و این فرصت‌ها را چشم پوشی می‌کنند که این فرصت چشم‌پوشی کند اما در مقابل هم این وظیفه قانونگذار و سیاست گذار است که با ساختار اقتصادی کشور و ارتباطش با سایر مسائل و قوانین شناخته باشد تا از این طریق همان ریشه‌های وسوسه‌انگیز فساد را بخشکاند و یا اینکه شرایطی فراهم کند که اگر فردی از آن شرایط نفع ببرد و وارد شود، در حقیقت سیاستگذار نباید بگذارد که شرایط رانت به وجود بیاید که ...، که لازمه آن هم داشتن یک بدنه کارشناسی قوی است و نسبت به آثار و تبعات هر نوع تصمیم و اتخاذ سیاست واقف باشند.

رابطه توسعه با وجود سازمان‌ها

در کشورهای توسعه‌یافته شاید مثل ما این چنین سازمان‌هایی نباشد اما کشور و ملت‌ها توسعه‌یافته‌اند؛ چرا که قانونمند رفتار می‌کنند. از دیدگاه این کارشناس رسیدن به توسعه یافتگی هم چندان کار دشواری نیست برای این موضوع هم کافیست که جنبه مثبت موضوع را هم نگاه کنیم خیلی کشورها هستند که اصلاً تصور نمی‌کردیم که روزی راه به جایی ببرند مثل همین کره جنوبی، چین و..چین با یک دوره ۱۵ساله حالا راه خوبی را پیش گرفته است حالا بگذاریم از قدمت و ساختار اقتصادی آن، اما بهم ریخت و از دهه ۱۹۸۰ به بعد استارت زد و با برنامه‌ریزی پیش رفت و سیاست‌هایش را بر آن منطبق کرد. ماهم باید امکانات و این همه استعداد و پتانسل این کشور را نگاه کنیم دستیابی به توسعه برای ما آسان‌تر خواهد بود حتی در شرایط تحریم می‌شود با همین برنامه‌ریزی و شناخت کارشناسی شده از آن یک فرصت ساخت و این وابستگی یکطرفه را از بین ببریم.

حالا هم ما اگر بخواهیم به توسعه برسیم و برنامه ۶ ساله توسعه را تدوین کنیم و اهداف توسعه‌مان محقق شود و بسیاری اهداف دیگر را دست یابیم باید به همان بدنه کارشناسی اهمیت این مطلب به آن تأکید شده است و البته به حرف‌ها اهمیت داده و به تصمیمات هم بها بدهیم و براساس آنها پیش برویم.

این یعنی اینکه وقتی تصمیم‌ساز با دل و جان پیش می‌رود و طوفان فکری راه می‌اندازد که بدانند به کارش بها داده می‌شود و در تصمیم‌گیری‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد یعنی قانونی که مصوب می‌شود بر همان اساس هم کار می‌شود و تا راهی که تعریف شده پیموده شود نه بیراهه رفت و آن وقت گفت که سازمان داریم و برنامه‌ریزی کرده‌ایم آن وقت براساس برنامه پیش نرویم که نمی‌شود انتظار توسعه داشت آن زمان است که این بیراهه رفتن نه تنها ما را به توسعه نمی‌رساند؛ بلکه تنها یک سازمان صرفاً اسمی برقرار کرده‌ایم و هیچ خروجی قابل توجهی هم نخواهد داشت.

آیا سازمان در شرایط فعلی می‌تواند برای برنامه ششم نقش ایفا کند؟

شاه‌آبادی می‌گوید: اینکه انتظار داشته باشیم سازمان برای برنامه ششم و تدوین آن نقشی که مورد نظر است را ایفا کند بعید می‌دانم چون ابتدا باید همان بدنه کارشناسی درون سیستم را ترمیم کرد تا بتوانیم جواب بگیریم.

اما در حالت کلی نظرم راجع به برنامه ششم این است که یک نقصی هم وجود دارد ما در تدوین این برنامه خیلی بلندپروازی کرده‌ایم و با این نگاه به تدوین آن اقدام کرده‌ایم چه قبلاً که سازمان بود چه حالا که در شرف هم که این میان به عنوان نقص مطرح است این که در کشور ما خروجی‌های اقتصاد قابل مقایسه با اهداف برنامه نبوده و همین خود برنامه را زیر سؤال برده است یعنی بیراهه رفته‌ایم.

مثلاً در بحث برنامه و بودجه، برنامه یک ساز و بودجه هم ساز خودش را می‌زند این روش تدوین و برنامه نوشتن ما با بودجه بوده است در نظر بگیرید محوریت کشاورزی بوده اما دربرنامه اصلاً بحث کشاورزی نبوده است.

اینکه فکر کنیم زمانی که سازمان داشته‌ایم کارها همه بر وقف برنامه بوده و پیش رفته‌ایم و مشکلی از ما حل شده نیست و حالا بود و نبود سازمان منشأ مشکلات ما بوده، خیر اینطور نیست گرچه فرصت بودن سازمان را باز هم مغتنم می‌دانیم اما خیلی جاها هم عملکرد گذشته‌اش قابل دفاع نیست.

در بحث تأثیر سازمان بر توسعه ملی هم باید نگاه قانونگذار به این سمت باشد نه اینکه استانی وشهرستانی و منطقه‌ای نگاه کند؛ بلکه باید ملی ببیند و نیازهای ملت ایران را نگاه کند و کلان‌بین باشد تا یک توسعه متوازن رخ دهد.

جمع‌بندی

احیای سازمان یک فرصت یک غنیمت است، اما باید برای اینکه بتواند به وظایفی که نتیجه آن رشد اقتصادی کشور است برسد باید برخی مولفه‌ها را رعایت کند :نخست آنکه بدنه کارشناسی را تقویت و به خوبی آن را به بازی بگیرد نوع نگاه مدیریتی باتوجه به راهبردها هم مهم است و برای آن نخستین قدم راهبردها را منطبق با واقعیت در چهارچوب سندچشم انداز و بالادستی و دانش‌بنیان تنظیم شود.

دوم اینکه: سازمان در مسیری حرکت کند که ثروت تجدیدناپذیر ما را به تجدیدپذیر تبدیل کند نفت ثروتی است که تجدیدناپذیر است اما باید کاری کرد که برگردد مثل نروژ از طریق اقتصاد دانش‌بنیان می‌شود این اقدام را انجام داد که دائماً به سمت جلو حرکت می‌کند و از حرکت نمی‌ایستد. با این زاویه دید جلو رفت.

یک نگاه دیگر

هم وجود دارد آنکه: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به دنبال ایجاد ارتباط تنگاتنگی با میان صنعت و دانشگاه باشد البته نه دستوری؛ بلکه طوری ابزار را به کار برد تا این لینک برقرار شود و به نتیجه‌ای که موردنظر است رسید

مأموریت سازمان درکسب هویت استان‌ها

امیر بختیاریان

اواخر آذرماه رئیس‌جمهور در مقام رئیس شورای‌عالی اداری دستور تشکیل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی را صادر کرد. این دستور ملهم از اصل ۱۲۶ قانون اساسی صادر شده است که مسئولیت امور برنامه، بودجه، اداری و استخدامی کشور را بر عهده رئیس‌جمهور گذاشته است و این اختیار را برای او قائل شده که بتواند این مسئولیت را به فرد دیگری محول کند. به این ترتیب، وظیفه برنامه‌ریزی و نظارت بر عملکرد نظام اداری در سطح کلان بر عهده این سازمان خواهد بود. در همین دستور رئیس‌جمهور تشکیل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان‌ها را نیز اعلام کرده است تا به این ترتیب سازمانی که ۷ سال از گردونه برنامه‌ریزی و نظارت خارج شده بود بار دیگر این وظیفه را بر عهده بگیرد. البته در دستور رئیس‌جمهور مأموریت مشخصی به این سازمان محول نشده است و بر همین اساس به نظر می‌رسد سازمان مدیریت در چارچوب رسالت قدیمی خود قرار است کار انسجام و یکپارچه‌سازی عملکرد دولت را در سطوح افقی و عمودی بر عهده بگیرد و این کار هم روشن است که در قالب تدوین برنامه‌های کوتاه و بلندمدت و نظارت بر عملکرد سازمان‌های اداری در اجرای این برنامه‌ها محقق می‌شود. نقش سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در ایجاد انسجام و هماهنگی در عملیات اجرایی دولت بر کسی پوشیده نیست. به دلیل حجم قابل توجه دولت و حیطه گسترده مأموریت‌ها وجود چنین سازمانی برای جلوگیری از موازی‌کاری، اعمال سلیقه در تصمیم‌گیری‌ها و نظارت بر عملکرد سازمان‌ها ضروری است. اما نکته اینجاست وجود چنین سازمانی در عین تقویت نظم می‌تواند تمرکز بیشتر در نظام اداری را موجب شود.

در ادبیات اداری، تمرکز قدرت در نهادهای مرکزی نشانگر وجود تمرکز در نظام اداری است. همین‌که بیشتر اختیارات و مسئولیت‌ها در دست نهادهای مرکزی باشد و مناطق از اختیار کمتری در اداره امور برخوردار باشند نشانگر آن است که از تمرکز در یک نظام اداری به شدت حمایت می‌شود. اما زمانی که سطوح افقی قدرت شکسته شود و اختیارات در همه شئون از قانونگذاری گرفته تا اجرا و نظارت به مناطق سپرده شود می‌توان گفت که نظام حکومتی از سمت تمرکز به سمت عدم تمرکز رفته است.

بر همین اساس برنامه‌ریزی مدنظر سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در کنار فواید و ارزشی که برای نظام اداری دارد می‌تواند تقویت‌کننده تمرکز بیشتر باشد و هرگونه قدرت تصمیم‌گیری را نه تنها از استان‌ها بگیرد حتی از دستگاه‌های مرکزی نیز سلب کند.

نظام اداری کنونی در عمل ثابت کرده است که خود انتظام نیست و دستگاه‌ها در سایه نبود نظارت به شدت تمایل به بزرگ‌شدن در ابعاد دارند. نتیجه عینی آن را هم می‌توان در چند ساله اخیر مشاهده کرد که در نبود سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی بی‌نظمی حادی بر نظام استخدامی کشور حاکم شد. به همین دلیل اگرچه وجود سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در شرایط کنونی امر لازم و مفیدی برای اداره کشور است اما در صورتی می‌تواند این فایده استمرار داشته باشد که این سازمان زمینه چابک‌سازی دولت و از جمله حرکت جدی دولت به سمت نبود تمرکز را پیگیری کند. این کار می‌تواند در سایه توانمندسازی مناطق و تهیه واقع‌بینانه سند آمایش استانی فراهم شود. در واقع در سایه تشکیل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در استان‌ها این انتظار وجود دارد که در اسرع وقت استان‌ها به یک خودآگاهی همه‌جانبه از وضعیت موجود خود برسند، در کنار آن چشم‌اندازی آرمان‌گرایانه اما واقع‌گرایانه را برای آنچه که باید بشوند ترسیم کنند و برنامه رسیدن به آرمان‌ها را تدوین کرده و با جدیت و قاطعیت، به دور از شعار اجرا کنند. به عبارت دیگر، چشم‌انداز سازمانی در نهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در استان‌ها باید به گونه‌ای ترسیم شود که ضمن اجرای مأموریت دولت در زمینه بودجه و امور اداری به دنبال توانمندسازی استان برای استقلال اداری و مالی هر چه بیشتر از دولت باشد تا در سایه این استقلال، استان‌ها با توجه به قابلیت‌های درون‌زای خود به دنبال کسب هویت در پهنه سرزمینی خودشان بروند. قدر مسلم فرایند این ارتقا، وزن گرفتن مجموعه کشور و در نتیجه ارتقای سطح کشور در منطقه خواهد بود.

مدیریت وبرنامه‌ریزی، ازانحلال تااحیا

احیای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی که پس از ۶ سال توقف، صورت گرفت، از جمله برنامه‌های مهم دولت یازدهم است که حال پس از کش‌وقوس‌های فراوان رنگ واقعیت به خود گرفته است.

این سازمان که به طور کلی وظیفه نظارت بر برنامه‌های کلان کشور را برعهده دارد، در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد منحل شده بود.

البته در روزهای پایانی تیرماه سال جاری شمارش معکوس برای تشکیل و احیای دوباره این سازمان به نوعی آغاز شد، اما طرح موضوع به ماه‌ها قبل از آن باز می‌گشت؛ زیرا با روی کار آمدن دولت یازدهم زمزمه‌های تشکیل و احیای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی وجود داشت.

پس از انتخاب حجت‌الاسلام والمسلمین حسن روحانی به عنوان رئیس‌جمهور، وی در نخستین نشست خبری خود اعلام کرد که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی را دوباره احیا می‌کند. ضمن اینکه مجلس شورای اسلامی نیز یک فوریت تشکیل سازمان مدیریت را تصویب کرد.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (برنامه و بودجه سابق) که به طور مشخص در سال ۱۳۲۷ پایه‌گذاری شده بود، در سال ۱۳۸۶ به دستور محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور سابق کشورمان منحل شد.

با انحلال سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، وظایف آن به ۲ معاونت رئیس‌جمهور تحت عناوین «معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی» و «معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی» منتقل شد.

در همان زمان، بسیاری از مخالفان این انحلال، تأکید کردند که دولت نمی‌تواند سازمانی که به دست مجلس تصویب شده را منحل کند، اما موافقان نیز مدعی شدند که این اقدام دولت انحلال نیست، بلکه یک نوع ادغام است که حاصل آن شکل‌گیری ۲ معاونت «برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی» و «توسعه مدیریت و سرمایه انسانی» است.

حال پس از گذشت ۷ سال از آن اتفاق به دستور رئیس‌جمهور، شورای‌عالی اداری احیای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و همین‌طور سازمان‌های مدیریت و برنامه‌ریزی استانی را در دستور کار خود قرار داد و با ادغام ۲ معاونت «برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی» و «توسعه مدیریت و سرمایه انسانی» اقدام به لغو مصوبه دولت گذشته کرده است.

از نگاه کارشناسان اقتصادی، احیای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به روند اقتصادی کشور نظم می‌دهد. لذا بازگشت مهمترین سازمان برنامه‌ریزی کشور را باید به فال نیک گرفت. رعایت اندازه، چابکی و بهره‌وری سازمان در ساختار جدید، تفکیک بخش‌های برنامه‌ریزی از عملیاتی، جدا شدن سازمان‌های مدیریت استان‌ها از استانداری‌ها، ایجاد اقتدار تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری برای سازمان، واگذاری امور اجرایی سازمان به انجمن‌های صنفی و تخصصی، تلفیق تشکیلات معاونت‌های «برنامه‌ریزی و نظارت» و «توسعه سرمایه انسانی»، تشکیل معاونت کنترل و نظارت راهبردی و عملیاتی، تفکیک شرح وظایف اقتصادی سازمان در برابر وزارت امور اقتصادی، دارایی و بانک مرکزی، تنوع بخشی به منابع درآمدی طرح‌های ملی و پوشش کل طرح‌ها و پروژه‌های ملی و استانی کشور از جمله اهداف راه‌اندازی دوباره این سازمان است.

نبوخت، سخنگوی دولت در این زمینه گفته که تشکیل این سازمان از اولویت‌های در نظر گرفته شده برای دولت است و با احیای مجدد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی دیگر برنامه‌ها و طرح‌های عمرانی و اقتصادی کشور براساس اراده شخص رئیس‌جمهور تهیه و تنظیم نخواهد شد، بلکه کابینه دولت یازدهم براساس نظرات و دیدگاه‌های کارشناسان اقتصادی و صنعتی اهتمام خود را برای اجرای برنامه‌های اقتصادی و توسعه صنعتی کشور به کار می‌بندد که این امر منجر به ایجاد انضباط اقتصادی خواهد شد.

به هر حال راه‌اندازی دوباره احیای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و به تبع آن سازمان استانی، اتفاق مهمی است که نه تنها به نوعی خلأ در نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی در کشور را پایان می‌دهد، بلکه با راه‌اندازی دوباره این سازمان مهم و کلیدی انتظار می‌رود با بازنگری جامع به سازمان مدیریت سابق، یک سازمان مدرن همراه با نوگرایی و متناسب با نیازها و ضرورت‌های کنونی جامعه شکل بگیرد.